

Cartoonist Writers Writer Cartoonists



درباره ارتباط میان ادبیات و هنر کاریکاتور

ولادیمیر کازانسکی
مترجم: علی هاشمی شهرکی

هدف اصلی این متن نمایاندن ارتباط عمیق میان ادبیات جهان و هنرنویین کاریکاتور است. هنر کاریکاتور محصول نوعی خاص از خلاقیت است که میان مرزهای ادبیات و گرافیک قرار می‌گیرد. با کمی تأمل، می‌توان دید که عملکرد خلاقیت نویسنده‌ها و کاریکاتوریست‌ها همانند است.

مبنای یک کاریکاتور در مرحله اول «زیبایی» است و سپس تبدیل به طرح می‌شود. کاریکاتوریست در آغاز یک نویسنده است. او طراح و تصویرگر نوشته‌های خود است که از ناخودآگاهش تراوش کرده، اما به جای آن که به صورت یک داستان کوتاه بر کاغذ نوشته شود، تصویر شده است.

اجازه دهید تا این مطلب را توضیح دهیم. برخلاف بیشتر نقاشی‌ها، کاریکاتورها را می‌توان با کلمات تعریف کرد؛ یعنی آن‌ها قابلیت روایت شدن را دارند. برای مثال، نقاشی‌هایی که نقاشان امپرسیونیست فرانسوی از منظره‌ها کشیده‌اند را به هیچ‌عنوان نمی‌شود با کلمات روایت کرد، ولی به راحتی می‌توان تصور کرد که براساس یک کاریکاتور داستانی کوتاه نوشته شود و یا برعکس، کاریکاتوری از یک داستان کوتاه ترسیم گردد. مانند این است که کاریکاتور نیست هنگامی که کاریکاتور را می‌کشند، داستان کوتاهی را خلق و بعد آن را با طرحش روایت می‌کنند.

در کاریکاتور، نقطه اوج داستان در آن واحد به چشم می‌آید، اما قبل و بعد داستان را مخاطب در ناخودآگاه ذهنش می‌سازد. زمانی که هنرمند تصمیم به خلق یک کاریکاتور می‌گیرد، اول از همه عناصری که نقطه اوج داستان کاریکاتورش را به مخاطب معرفی می‌کند، در قسمت اصلی ترکیب‌بندی اثر قرار می‌دهد. سپس با افزودن

جزئیات، قبل و بعد روایتش را ایجاد می‌کند. به تعبیری، کاریکاتور نیست نویسنده‌ای است که به شکل معکوس کار می‌کند؛ در آغاز پایان داستان را می‌نویسد و بعد طرح و نقشه آن را پی‌ریزی می‌کند. او درست برعکس شیوه‌ی رایج نوشتار داستانی عمل می‌کند. برای مثال، در داستان‌های نویسنده آمریکایی او. هنری (O. Henry) تمامی فریب‌ها و پنهان‌کاری‌های داستان در جملات پایانی آن بر ملا می‌شود، در صورتی که کاریکاتور نیست بن‌مایه‌ی اثرش را از همان فریب‌ها می‌گیرد و اثر را بر اساس آن‌ها خلق می‌کند.

برای ساده‌تر شدن این مطلب، نگارنده یکی از آثار خود را بررسی می‌کند: در کاریکاتوری که نشان‌دهنده بازی فوتبال در حیاط زندان است (تصویر ۱)، یکی از زندانیان ضربه‌ای به پای زندانی دیگری در حین بازی زده است و زندانی مضروب هم بر سنگ‌فرش کف حیاط افتاده و ناله می‌کند. نگهبان زندان نیز که در نقش داور بازی است، در حال فریاد زدن، زندانی خطاکار را

از زمین اخراج کرده است. تا این‌جا پیش‌داستان است. نقطه اوج این داستان وقتی است که زمین فوتبال حیاط زندان است و داور یا همان نگهبان زندان بازی‌کننده خاطی را از زندان اخراج کرده و در باز زندان را به او نشان می‌دهد، دری که از میان آن خورشید، دشت و جنگل نمایان است. بنابراین، نگهبان زندان، زندانی خاطی را با آزاد کردنش مجازات می‌کند. پیش‌داستان این روایت قابل پیش‌بینی و معمولی است، اما بخش مهم این کاریکاتور نقطه اوج غیر قابل پیش‌بینی و عجیبش است. پس داستان آن نیز قابل پیش‌بینی است، یعنی آزاد شدن زندانی‌ای که از در خروجی زندان بیرون می‌رود.

اجازه دهید کاریکاتور دیگری را با موضوع زندان بررسی کنیم. (تصویر ۲) یک صندلی الکتریکی در میان دشت قرار گرفته است. این صندلی را بی‌دلیل به آن‌جا نیاورده‌اند، زیرا روی آن یک زندانی محکوم به مرگ نشسته است. شاهدان اجرای حکم در فاصله‌ای نه‌چندان دور به نظاره ایستاده‌اند. یکی از آن‌ها سیگار

تصویر ۱: ولایمیر کارائسکی





می‌کشد و دیگری با بغل دستی‌اش حرف می‌زند. توفان به زودی به آن‌جا می‌رسد و ابرهای سیاه در افق به سمت آن‌ها می‌خزند. یک موش از ترس توفان پا به فرار گذاشته و رعد و برق آغاز شده است. نقطه اوج این کاریکاتور میله رعد و برق است که در بالای صندلی الکتریکی نصب شده و انتهای آن به سر زندانی محکوم به مرگ وصل است. پیش‌داستان این کاریکاتور احتمالاً از یکی از رؤسای زندان حکایت می‌کند که ترجیح داده برای کاهش هزینه برق زندان از روش‌های طبیعی برای اعدام محکومان به مرگ استفاده کند و یا جریان برق زندان لحظاتی قبل از اجرای حکم قطع شده، ولی اخبار هواشناسی خبر از توفان و رعد و برق داده است.

برای ادامه بحثمان بجا است کاریکاتور را به دو دسته نمادگر (اسمبولیک) و ماجرای تقسیم کنیم. کاریکاتورهای نمادگر بر اساس نمادهای شناخته شده خلق می‌شوند. برای مثال، کاریکاتورهایی که با سوژه مجسمه متفکر «رودن» خلق شده‌اند، از این نوع‌اند. این کاریکاتورها گویا دوباره حکایات فیلسوفانه را بازگو می‌کنند. کاریکاتورهای ماجرای هم

تصویر ۳: ولادیمیر نناشوف

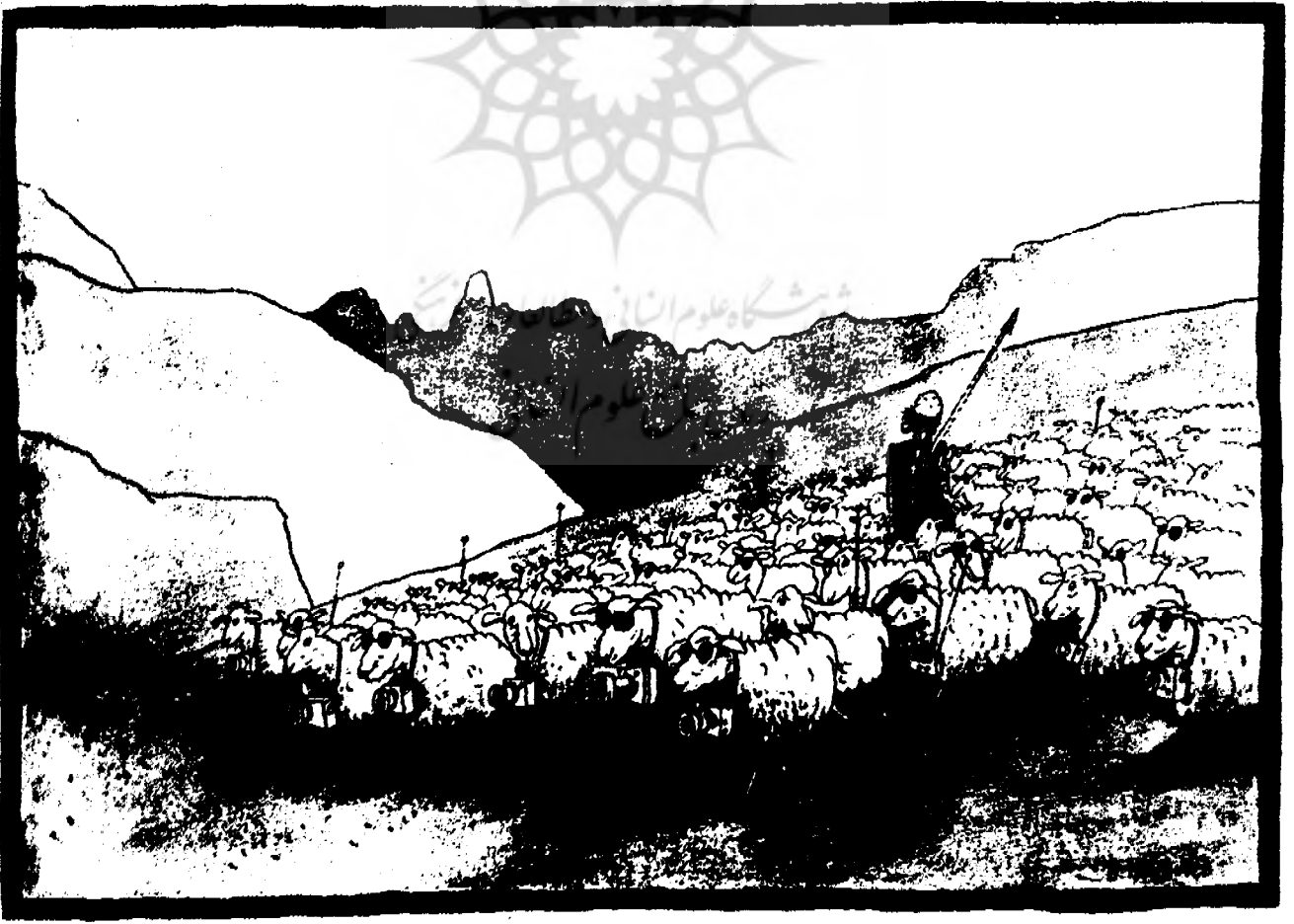
تصویرگر داستان‌های میکروسکوپی‌اند. یکی از مطرح‌ترین خالقان کاریکاتورهای ماجرای، کاریکاتوریست فرانسوی سمپه است. خلاقیت این هنرمند آن چنان کامل است که اگر تمامی کاریکاتورهای او را در یک کتاب گردآورند، آن کتاب را می‌توان یک رمان حماسی نامید که بارها نویسندگان موقعیت‌ها و تصاویری را خلق کرده‌اند که هر یک به راحتی می‌تواند اساس یک کاریکاتور را تشکیل دهد. برای مثال، در رمان «تعطیلات همیشه با تو» اثر ارنست همینگوی جمله‌ای آمده به این مضمون: «یزهای ماده به آن کنار خیره شده بودند و مثل توریست‌ها سرهایشان را تکان می‌دادند.» کاریکاتوریست روسی، «و. نناشوف» متأثر از این جمله گوسفندهایی را تصویر کرده که عینک‌های دودی به چشم زده و با دوربین‌های عکاسی که به گردن آویخته‌اند، شبیه جهانگردها در دشت‌ها و کوه‌ها می‌چرخند (تصویر ۳).

در رمان «ساعت شوم» اثر گابریل گارسیا مارکز، موقعیتی مشابه وجود دارد: «زمانی که او داشت فشار را با فشارسنج اندازه‌گیری می‌کرد، بیوه زن با کنجاوی کودکانه‌ای به درجه دایره

شکل دستگاہ ورمی‌رفت و با خود می‌گفت: این عجیب‌ترین ساعتی است که تا به حال دیده‌ام.» همین تصویر نیز می‌تواند سوژه‌ای برای یک کاریکاتور باشد.

ارتباط میان کاریکاتور و ادبیات عمیق‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌آید. «روح» که اساس ایدئولوژیک خلق بهترین کاریکاتورهای هنرمندان عصر هنر نوین کاریکاتور بوده، اساس آثار نویسندگانی مانند سارتر، کافکا، سلین، یونسکو، بکت، داستایوفسکی، گوگول و تعداد زیاد دیگری از نویسندگان بوده است. روح اگزیستانسیالیسم و روح آشوبگر جزء ذاتی خلاقیت آن‌هاست. جمله سارتر: «انسان محکوم به آزادی است.» را یک کاریکاتوریست هم می‌تواند امضا کند.

تأثیر ادبیات جهان بر هنر کاریکاتور بر هیچ‌کس پوشیده نیست و عملاً بیشتر کاریکاتوریست‌ها گاه‌گاه از تصاویر ادبی شناخته‌شده برای خلق آثار خود سود برده‌اند. در این موقعیت‌ها، نویسندگانی پیش‌داستان کاریکاتورها را ایجاد کرده و کاریکاتوریست‌ها نقطه اوج‌های جدیدی برای آن روایت‌ها





PETER KLUČIK • Slovákia

برای خود جایی دارد و مسیح و صلیب، کشتی نوح، موسی در حال گذشتن از رود نیل و غیره شخصیت‌های اصلی کاریکاتورهای بسیاری بوده‌اند.

از سوی دیگر، شخصیت‌های داستان‌های شناخته شده کودکان نیز از دست کاریکاتوریست‌ها در امان نبوده‌اند، مثل شاهزاده و قوریانگه، شغل قرمزی و گرگ، ویلهلم تل و پسرش، پریان دریایی و غیره.

به علاوه، نباید شخصیت‌های داستان‌ها و روایات بومی هنر کشور را فراموش کرد که شاید دارای شهرت جهانی نباشند، اما در چهارچوب مرزهای کشورهای خود در آثار کاریکاتوریست‌ها نقش آفرینی می‌کنند. کاریکاتوریست‌ها با استفاده از این نمادها و شخصیت‌های بومی در آثارشان موقعیت‌ها و داستان‌های طنز و فکاهی فراوانی در محدوده

دراز دارد که دست‌مایه خوبی برای شوخی‌های کاریکاتوریست‌هاست.

می‌توان فهرست بلندیایی از شخصیت‌های ادبی فراهم کرد که کاریکاتوریست‌های سراسر جهان در آثارشان از آن‌ها استفاده کرده‌اند: هملت همراه با جمجمه‌ای در دستش، اتللو که در دمونا را خفه کرد، شرلوک هولمز با پیپ و ذره بینش، رابینسون کروزوئه و جزیره متروکش، ملانصرالدین و الاغش، بارون مونهانز عجیب و غریب، کلاغ پنیر در منقار همراه با رویاه، شازده کوچولو و ستاره‌اش و غیره.

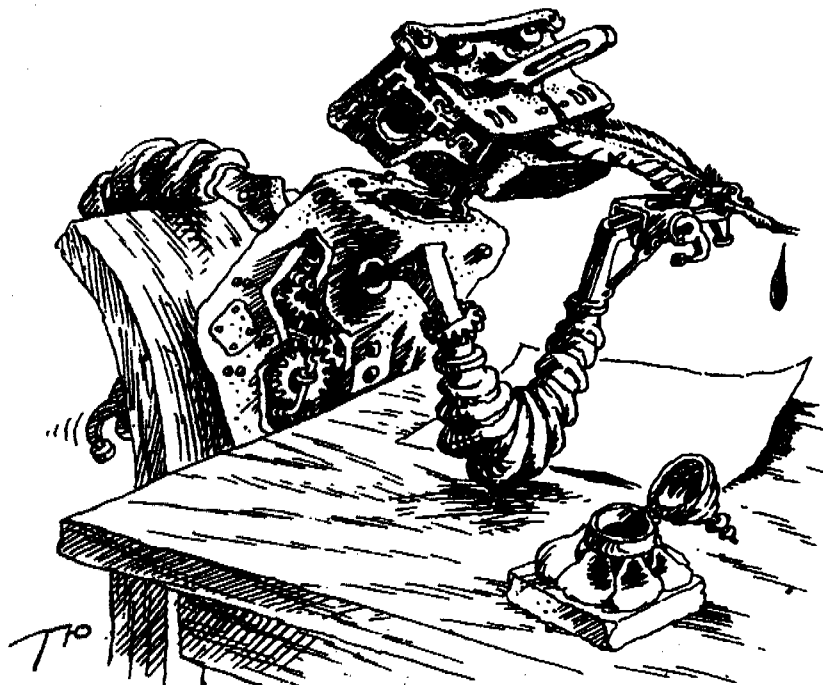
کاریکاتوریست‌ها به دهات از شخصیت‌ها و روایت‌های اسطوره‌ای استفاده کرده‌اند که پرطرفدارترینشان «سیزیف» و سنگ غلطان او است. آن‌ها در آثارشان از اسب تروا، آشیل و پاشنه شکننده‌اش، هرکول و غیره نیز بهره گرفته‌اند. داستان‌های انجیل هم در کاریکاتور

ساخته‌اند. پرطرفدارترین قهرمانان ادبی که از این کاریکاتور به آن کاریکاتور سفر کرده‌اند، را می‌توان دون کیشوت و سانچو پانزا دانست. کاریکاتوریست‌های خوش ذوق، این دو شخصیت و ارتباطشان با آسیاب بادی را به شکل‌های متفاوت در آثارشان نشان داده‌اند. به تعبیر منتقدان، می‌توان گفت شوالیه‌ای با ظاهری غم‌انگیز به جنگ آسیاب‌های بادی می‌رود که تجسمی از تلاش ابدی نیکی در برابر بدی‌های ناشناخته است. کاریکاتوریست‌ها همواره در خلال خلق آثارشان می‌کوشند تا مناسب‌ترین و کارآمدترین عناصر رمان‌ها را برای ایجاد و خلق قهرمانان خود دست‌چین کنند.

دیگر قهرمان ادبی پرطرفدار برای کاریکاتوریست‌ها پینوکیو است. او برای ایجاد طنز و خنده بسیار مناسب است، زیرا تکه‌ای مخمّرک از چوب درخت است. به علاوه، دماغی

کشورشان به وجود می‌آورند. فرایند خلاقیت نویسنده‌ها نیز به خودی خود سوژه‌ای جالب برای خلق آثار کاریکاتوریست‌ها است. هنگامی که کاریکاتوریست‌ها با طعنه، استیصال نویسندگان را در زمان خلق نوشته‌هایشان نشان می‌دهند، از این حقیقت غافل‌اند که خود را نیز به نقد می‌کشند. (تصویر ۳)

از طرفی، سوژه «کتاب‌خوان» نیز برای کاریکاتوریست‌ها جذاب است و تاکنون هزاران کاریکاتور با این موضوع ترسیم شده است. با این توضیحات می‌توان گفت رابطه میان هنر نوین کاریکاتور و ادبیات جهان کاملاً آشکار است. کاریکاتوریست‌ها با استفاده از شخصیت‌ها و روایات ادبی به ادبیات عمومیت می‌بخشند و در عین حال خود ادبیات نیز سرمنشأ تراوشات خلاقه کاریکاتوریست‌ها می‌گردد. به علاوه، فرایند خلق و خلاقیت برای نویسنده‌ها و کاریکاتوریست‌ها تا حد زیادی به هم شبیه است.



تصویر ۳: سرگی تونین

